

در این کتاب
مجموعه
کتابخانه
موزه
و مرکز
اسناد
سازمان
اسناد و کتابخانه
جمهوری اسلامی
ایران

در و این نبود که این موج آسیا
سنگ از کنارش می رود که هر
مرد ما نیز در بد که هر یک بقاصنه
در معبر نشسته و رحمت بر بسته جو انرا
دست عطاسه بود در زبان و عابث
شود چند اندک زاری کرد با سری
نگردند بی زار نتواند که کند بر کس
زار چون زار زاری نیز در رخساره
ملاج بی مروت از و مرخنده بد کرد بد
و گفت بی زار زاری نتواند شد
بزار از زار بیار زار و مرده مرده
باشند زار یک مرده بیار جو انرا
دل از این طعنه بهم بر آمد جو است
انتقامی کشد گشتی زنده بود آ و از در آن
اگر بدین جامه که بود یک ام قانع می
در این نیست مللاج طمع کرد و گشتی
با زار آمد بی بد و زار زار زار

در این کتاب
مجموعه
کتابخانه
موزه
و مرکز
اسناد
سازمان
اسناد و کتابخانه
جمهوری اسلامی
ایران

ای طمع
بوی نیک
و بوی
هو

مجموعه
کتابخانه
موزه
و مرکز
اسناد
سازمان
اسناد و کتابخانه
جمهوری اسلامی
ایران

هو شمند در آمد طمع مرغ و ماهی
به بند چند اندک ریش و کبر بیانش
بدست جوان افتاد بخودش گشتید
و بی محابا فر و کوفت با سرش از گشتی
بد آمد نالیشتی کند همچنان در سخی
و بد است که در ایند مصلحت این دید
که با او مصلحت کنند و با جره کشتی
نایند بی جو بر حاش بیخی تحمل بیار
که سهلی به بند در کار زار بشیر
ز با بی و لطف و جوستی نوازی که بیلی
بجو می کشی بعد از ماضی بیانش افتاد ند
و بوسه بنفای و بهر و جستمس در بد
و بگشتی در و زار ند و سروان شد
تا بر سید ند بیستونی از عمارت
بوی ناله که در آب ایستاده بود مللاج
گفت گشتی مرا حلال هست یکی از شما که
دلا و زار است و مردانه زار و زارند

در این کتاب
مجموعه
کتابخانه
موزه
و مرکز
اسناد
سازمان
اسناد و کتابخانه
جمهوری اسلامی
ایران

Copyrighted King University